

بررسی تاثیر عملیات روانی غرب بر واگرایی اقوام ایرانی

نویسندگان: سجاد نصرالهی^۱

مرید ابوالفتحی^۲

فصلنامه (علمی-تخصصی) مطهر، سال سیزدهم، شماره ۳۶، بهار ۱۳۹۵

چکیده

جامعه ایران موزاییک کنار هم چیده اقوام است. برخی از صاحب نظران تنوع قومی را مانع و تهدیدی برای توسعه‌ی جوامع تلقی می‌کنند اما برخی آن را فرصتی برای پیشرفت و توسعه‌ی جوامع چند قومی می‌دانند. سکونت پنج قومیت ایرانی در مناطق مرزی و همجوار با کشورهای هم‌زبان خود، زمینه مناسبی را برای تجزیه طلبی در این مناطق به وجود می‌آورد از طرف دیگر دشمنان ایران اسلامی جهت نیل به اهداف خود، سال‌هاست بدنبال ایجاد واگرایی میان اقوام ایرانی و ایجاد شکاف بین اقوام و نظام اسلامی هستند و با ترفندهای مختلف سعی در بر جسته نمودن اختلافات و دامن زدن به آنها توسط ابزارهای عملیات روانی خود از جمله رسانه‌ها، اینترنت و... دارند. در این پژوهش سعی شده است عملیات روانی دشمنان و تاثیر آنان بر واگرایی میان اقوام ایرانی و حکومت مرکزی بررسی شود.

واژگان کلیدی: عملیات روانی، واگرایی قومی، اقوام

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت بحران

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد عملیات روانی

مقدمه:

تعدد و تنوع اقوام تشکیل دهنده جامعه ایران به نحوی است که اطلاق واژه "جامعه چند قومی" ترکیب جمعیتی آن، از واقعیتی غیر قابل انکار خبر می‌دهد. حضور و زندگی قومیت‌های مختلف چون فارس‌ها، آذری‌ها، کردها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها و لر‌ها در جوار یکدیگر و در چارچوب جغرافیای سیاسی واحد، بیانگر تنوع فرهنگی - قومی جامعه ایران است. براساس یک آمار قابل استناد در مورد جمعیت ایران، ۶۰ درصد فارس زبان، ۲۲ درصد ترک، ۶ درصد کرد، ۶ درصد لر، ۵/۲ درصد بلوچ و تقریباً ۲ درصد عرب در سرزمین ایران سکونت دارند. یکی از روش‌های مورد استفاده دشمنان در مواجهه و مقابله با ایران طی سه دهه گذشته، حمایت مستقیم و غیر مستقیم از گروه‌های واگرای قومی و ترغیب اقوام ایرانی برای انجام کنش‌های اعتراض آمیز علیه نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. برای تایید این مطلب می‌توان به شورش فراگیر مناطق کردنشین در دهه اول انقلاب اسلامی و کنش‌های بحران زای متناوب اهالی آذربایجان در سال‌های گذشته یاد کرد. به هر حال هر یک از کنش‌های جمعی و بحران‌های قومی فرصت‌های زیادی را از نظام سلب و چالش‌هایی را پیش روی آن قرار داده است. جمهوری اسلامی ایران از بدو تاسیس تا کنون موارد متعددی از ناامنی‌های قومی را در مناطق مختلف کشور تجربه کرده است. هر چند این حرکت‌ها در برخی مناطق همچون کردستان، سیستان و بلوچستان، تبریز، خوزستان، ترکمن صحرا و... با تدبیر، اقتدار و فداکاری مهار شده است، اما واقعیت نیروها و پتانسیل قومی تهدیدآمیز در کشورمان چیزی نیست که مورد غفلت قرار گیرد، زیرا قومیت از دیرباز در بعد امنیتی حایز اهمیت بوده و باید با حساسیت ویژه مورد کنکاش قرار گیرد و از آسیب شناسی این پدیده نباید به آسانی گذشت. دشمنان ایران اسلامی با استفاده از ظرفیت‌های چالش آفرینی تنوع قومی در صدد تحقق اهداف خود هستند. یکی از اهداف آنان بی‌اعتماد ساختن اقوام ایرانی نسبت به نظام جمهوری اسلامی و در نهایت ایجاد شکاف بیشتر بین اقوام ایرانی و نظام اسلامی است. هدف دیگر آنها محروم ساختن جمهوری اسلامی از حمایت اقوام به عنوان یک سرمایه اجتماعی می‌باشد و تقلیل مشارکت اقوام ایرانی در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی و کاهش آستانه تحمل آنها هدف دیگری است که می‌توان به آن اشاره نمود. عملیات روانی و یا به تعبیر دیگر تاثیر و نفوذ در رفتار، نگرش‌ها و افکار دولتها و ملت‌ها که کارگزاران اش، آن را در جهت اهداف و مقاصد خود پی ریزی می‌کنند، امروزه از طریق فناوریهای ارتباطی - اطلاعاتی به ویژه رسانه‌های نوین رو به گسترش نهاده است و از آنجا که طرح ایجاد و گسترش آشوب‌های اجتماعی در بستر واگرایی قومی^۱ و تحركات قوم‌مداری و هویت محور در میان اقوام در دستور کار قدرتهای بزرگ مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار

1. ethnic disintegration

دارد، عملیات روانی میتواند در نیل آنها به اهدافشان موثر باشد (مختاری، ۱۳۸۳: ۱۵). لذا در این تحقیق به تاثیر عملیات روانی بر واگرایی اقوام ایرانی پرداخته می شود.

مبانی نظری:

پیش از ورود به بحث اصلی به مفاهیم "عملیات روانی"^۱ و "اقوام"^۲ اشاره میشود: صاحب نظران این رشته، عملیات روانی را فرآیندی می دانند که در آن، دو طرف شرکت می کنند و یکی از آنها یا هر دو می کوشند تا با تاثیر گذاشتن بر افکار، عواطف و تمایلات طرف دیگر، او را به انجام رفتاری مطابق خواست خود، وادار کند. خلاف تعریف اولیه که در این حوزه ارائه می شود، امروزه دیگر عملیات روانی به زمان جنگ یا اعلام وضع فوق العاده محدود نمی شود و اکنون، نظریه پردازان این حوزه بر سازماندهی و استفاده برنامه ریزی شده از ابزارهای تبلیغاتی برای افزایش میزان تاثیرگذاری، نه بر دشمن، بلکه بر احساسات، افکار و رفتار مخاطبان تاکید دارند. (یزدان فام، ۱۳۸۲: ۲۱).

تعریف عملیات روانی:

الیاسی به نقل از کلاریسون و صلاح نصر، عملیات روانی را اینگونه تعریف کرده است: کلاریسون اینگونه عملیات روانی را تعریف کرده است «عملیات روانی عبارت است از استفاده برنامه ریزی شده از ارتباطات برای ایجاد یا تغییر نگرشها، هیجانات و انگیزه های معین در مخاطبان به منظور تقویت امنیت ملی»

صلاح نصر تعریفی کمابیش مشابه تعریف کلاریسون پیرامون عملیات روانی ارائه داده است. به باور او «عملیات روانی استفاده برنامه ریزی شده از تبلیغات و فعالیتهای ارتباطی توسط یک دولت یا مجموعه ای از دولت هاست که به منظور تاثیرگذاری بر نظرات، احساسات، موضع گیری ها و رفتار گروه های دوست و دشمن یا بی طرف صورت می گیرد، به گونه ای که به تحقق سیاست دولت یا دولت های مزبور و اهداف آنها کمک کند». (الیاسی، ۱۳۸۸: ۱۶)

تعریف قوم:

«به مجموعه هایی از جماعات انسانی که از یک منشأ نژادی برخاسته اند و دارای زبان و فرهنگ و تاریخ مشترک دیرینه اند "قوم" گفته می شود. یک قوم ممکن است در زمان کنونی در یک سرزمینی مشخص با مرزهای معینی به نام "شور" ساکن باشند و یا به سبب پیشامدهای تاریخی از هم جدا شده و شاخه های آن در میان چند کشور تقسیم شده باشند؛ یا شاخه هایش در اثر مهاجرت ها در سرزمین های متعددی پراکنده و اسکان یافته باشند» (قاسمی، ۱۳۸۸: ۵)

1. psychological operation
2. nations

وضعیت فعلی اقوام در کشور:

به طور کلی استان های کشور را برحسب ترکیب قومی جمعیت و میزان درگیری آنها با مساله قومیت این گونه می توان تقسیم کرد:

۱- استان های بدون جمعیت قومی قابل توجه یا مساله حاد: این استان ها عمدتاً در مرکز کشور قرار دارند و جز گروه های قومی محدود که عمدتاً مهاجر می باشند اکثریت قریب به اتفاق جمعیت آنها را فارس های شیعه مذهب تشکیل می دهند:

-استان تهران -استان اصفهان -استان سمنان
-استان قم -استان یزد -استان مرکزی

۲- استان های با درصدی قابل توجه از جمعیت و مسایل قومی یا مذهبی (البته به لحاظ قومی و زبانی و فرهنگی پیوند زیادی با قوم و زبان فارسی دارند):

-استان خراسان -استان چهارمحال و بختیاری -استان لرستان
-استان فارس -استان کهگیلویه و بویر احمد -استان گیلان
-استان کرمان -استان هرمزگان -استان ایلام
-استان قزوین -استان مازندران -استان بوشهر

۳- استان های دارای جمعیت با اکثریت گروه های قومی که به لحاظ بالقوه و بالفعل بودن مسایل قومی و تبعات امنیتی به دو گروه تقسیم می شوند:

الف) استان هایی که شکاف قومی و زبانی تمام و یا بخش عمده آنها به لحاظ پیوند مذهبی با اکثریت شیعه حالت بالفعل و خطرناک حاد ندارند، مانند:

-استان اردبیل -استان خوزستان -استان زنجان
-استان آذربایجان شرقی -استان کرمانشاه -استان همدان

ب) استان هایی که شکاف قومی و زبانی آنها، موازی با شکاف مذهبی بوده و با تقویت و بالفعل کردن همدیگر، بر احتمال فعال شدن و تبعات امنیتی مسائل قومی می افزایند و از گذشته نیز این معضلات به صورت جدی وجود داشته اند. (حق پناه، ۱۳۸۱: ۹-۸)

-استان سیستان و بلوچستان -استان آذربایجان غربی
-استان گلستان -استان کردستان

با توجه به تقسیم بندی بالا اقوامی را که دارای مسایل قومی حاد هستند مورد بررسی قرار می دهیم:

قوم بلوچ:

به طور کلی مردم استان سیستان و بلوچستان مسلمان هستند. در قسمت های شمالی استان مشخصاً سیستان (فارس زبان ها) به مرکزیت زابل شیعه مذهب اند و در قسمت جنوبی که تحت عنوان بلوچستان شناخته می شود و اکثریت جمعیت استان را تشکیل میدهد،

بلوچ زبان و اهل سنت از فرقه حنفیه هستند (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۸۸). با استناد به نتایج آمارگیری جمعیت که در سال ۱۳۸۵ توسط مرکز آمار ایران به عمل آمده، جمعیت بلوچستان ۲۴۰۵۷۴۲ نفر برآورد شده است که در شهرستان های زاهدان، خاش، سراوان، ایرانشهر، نیک شهر و چابهار مستقر هستند. (همان: ۱۸۲). بلوچ ها به رغم مستندات عملی و شواهد علمی، خود را از نژاد آریایی نمی دانند و نیز بواسطه همین برداشت و تفاوت های مذهبی و روحیه بیابانگردی، کمتر ترغیب به همکاری با دولت های مختلف ایرانی شده اند. (مقصودی، ۱۳۸۰: ۳۴۵). از ویژگی های بارز آنها یکی کمبود امکانات رفاهی و معیشتی و دیگری سنی مذهب بودن آنهاست. علاوه بر محرومیت و کمبود رسیدگی توسط حکومت مرکزی به این منطقه، وجود اختلافات فرهنگی، همجواری بلوچ های ایران با بلوچ های افغانستان و به ویژه مرکز عمده بلوچ ها در پاکستان نیز تاثیر بسزایی در ظهور گرایش های واگرایانه در این منطقه دارد.

قوم کرد:

قوم کرده عنوان یکی از پنج قوم بزرگ ایران در غرب کشور در استان های کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه ساکن می باشند. در واقع کردستان ایران بخشی از منطقه کردنشین بزرگ تری است که تا شمال عراق، جنوب ترکیه و شرق سوریه امتداد دارد. (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۲۳۵). در تقسیم بندی فعلی ایران، مناطق کردنشین به شش استان تقسیم شده است که شامل: کرمانشاه، ایلام، لرستان، همدان، کردستان و آذربایجان غربی (بخشهای کردنشین آن) می باشد. (همان: ۲۳۶). رابرت کندال در کتاب "کردها" با تکیه بر کردهای آذربایجان غربی (۳۷ درصد)، کردستان، کرمانشاه و ایلام رقم جمعیت کردها را حدود ۴/۵ میلیون نفر دانسته است. بعضی از ناسیونالیست های کرد مثل جمال نبز با توجه به معیارهای مذهبی یا تمایلات ناسیونالیستی، جمعیت کردهای مقیم ایران در مناطق کردنشین استانهای آذربایجان غربی و کردستان را بدون در نظر گرفتن جمعیت قروه و بیجار و با اضافه نمودن پاه و جوانرود و روانسر کمتر از ۲/۵ میلیون نفر میدانند. در این راستا، طبق سرشماری سال ۱۳۶۵ استان جمعیت استان کردستان که شامل شهرهای سنندج، سقز، بیجار، قروه، بانه و مریوان می باشد. البته پراکندگی کردهای ایران در شهرهای مختلف از جمله: بیرجند، قوچان، اطراف شیراز، ورامین، تهران و زاهدان موجب شده است نتوان ارقام واقعی جمعیت کردها را برآورد کرد. (همان: ۲۳۷). مناطق کردنشین نیز مانند سایر مناطق مرزی از امکانات محدودی نسبت به مناطق مرکزی ایران برخوردارند و محرومیت در این مناطق نسبت به مناطق مرکزی ایران بیشتر است و امکانات و رفاه در حد پایین تری نسبت به مناطق مرکزی ایران قرار دارد. این قوم نیز در آنسوی مرزها دارای قوم متناظر هستند و این مسائل باعث شده است که واگرایی نسبت به حکومت مرکزی وجود داشته

باشد و علت دیگر سنی بودن بیشتر جمعیت این قوم است که باعث عمیق تر شدن شکاف بین آنها و حکومت مرکزی شده است.

قوم آذری:

آذری ها در مناطق وسیعی از ایران زندگی می کنند. در واقع قلمرو اصلی این قوم مناطق غرب و شمال غربی کشور می باشد که در چهار استان آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل و زنجان متمرکز شده اند. در باب جمعیت قوم آذری، آمار رسمی و دقیقی در دست نیست. مولف کتاب «سیری در تاریخ لهجه های ترکی» در اثر خود نوشته است: ((در ایران بیش از ۳۰ درصد جمعیت کشور را ترک زبانان تشکیل میدهند و اکثریت نسبی مردم ایران آذری زبان هستند)). البته این آمار غیر واقعی و اغراق آمیز و بدور از مبنای عملی و تحقیقی است. بر اساس آمار نامه های سال ۱۳۷۲ که توسط مرکز آمار ایران ارائه شده است، جمعیت قوم آذری زبان که در قلمرو جغرافیایی غرب و شمالغرب کشور مستقرند حدود ۷۷۳۷۲۷۸ نفر بر آورد شده است. (همان، ص ۲۵۶). در حال حاضر اکثریت قریب به اتفاق مردم آذری پیرو دین مبین اسلام و شیعه اثنی عشری می باشند. آذری ها اگرچه از لحاظ جمعیتی بعد از فارس ها پر جمعیت ترین قوم کشور اند و مانند بلوچ ها و کردها و ترکمن ها دارای قوم متناظر خود در آن سوی مرز هستند، ولی به دلایلی واگرایی آنها نسبت به بلوچ ها و کردها و ترکمن ها کمتر است. اول اینکه علی رغم تفاوت در زبان، مذهب آنها شیعه است و دارای اشتراک با حکومت مرکزی از این نظر هستند. دوما از لحاظ معیشتی نسبتا از دیگر اقوام در وضعیت بهتری قرار دارند و سوما اینکه دارای اشتراکات فرهنگی بیشتری به قوم فارس نسبت به اقوام دیگر هستند.

قوم ترکمن:

قوم ترکمن در جمهوری ترکمنستان، ترکمن صحرای ایران، افغانستان، ترکیه و گروه اندکی در کشور عراق زندگی می کنند. این نحوه تقسیم بندی ترکمن ها به قرارداد آخال در سال ۱۸۸۱ بازمی گردد. به گونه ای که امروزه صحرای قراقوم که ۹۰ درصد ترکمنستان را در بر می گیرد، زیستگاه اکثر ترکمن های ساکن ترکمنستان است. اما در ایران استان های خراسان و گلستان محل زندگی ترکمن هاست. ترکمن های ایران از لحاظ تقسیمات سیاسی در استان گلستان و شمال غربی خراسان می باشند. ترکمن ها در استان گلستان بیشتر در منطقه گرگان و دشت در میان رودخانه های اترک و قره سو که بخش های اصلی سکونت ترکمن هاست زندگی می کنند. البته این منطقه تا سال ۱۳۷۷ جزء استان مازندران به حساب می آمد. همچنین ترکمن ها در قلمرو استان خراسان و در بخش های قوچان، بجنورد، سرخس زندگی می کنند. بخش بسیار کوچکی از ترکمن ها نیز در استان مرکزی زندگی می کنند. تعیین تعداد جمعیت ترکمن ها در بسیاری از کشورها به ویژه در ایران در

دوره های گوناگون زمانی و تاریخی دشوار بوده است. با این حال بر آورد جمعیت ترکمنها حدود ۴ میلیون نفر می باشد که حدود ۲/۱ میلیون نفر در ترکمنستان، حدود ۱/۱ میلیون نفر در ایران و باقی در افغانستان زندگی می کنند و حدود پنجاه سال است که به دلیل مرزهای بین المللی از هم جدا شده اند. (همان: ۲۱۵-۲۱۶). ترکمن ها زبان خود را ترکمن دیل یا شاخه جنوب غربی زبان ترکی شناخته و قرابت زبان شناختی آن را با ترکی آذربایجان و ترکیه بیش از قرابت آن با زبان ترکی سایر ملت های آسیای مرکزی مانند: قوقیز، ازبک و قزاق دانسته اند (همان: ۲۱۹). ترکمن ها مسلمان و اهل سنت و جماعت می باشند و بیشتر پیرو فرقه حنفی هستند. با توجه به مطالب فوق می توان نتیجه گرفت که ترکمن ها به دلیل تفاوت در مذهب بیشتر از آذری ها مستعد واگرایی هستند ضمن اینکه زبان آنها نیز متفاوت است و آنسوی مرزها نیز دارای قوم متناظر هستند. و طبیعتاً محرومیت در مناطق مرزی ایران بیشتر است که این خود مزید بر علت می شود.

پیشینه بروز واگرایی قومی در ایران:

مساله گروههای قومی در ایران از آغاز قرن دهم هجری و استقرار حکومت شیعی صفویه شکل دیگری به خود گرفت. صفویان پس از قرن ها به تفرق و پراکندگی های سیاسی خاتمه دادند و نخستین حکومت متمرکز ایرانی را پس از خلافت گسترده اسلامی به وجود آوردند. حکام این سلسله شاهی که خود از اقوام ترک زبان ایرانی بودند، مذهب تشیع را مبنای وفاق و وحدت ملی قرار دادند. هر چند این سیاست برخی اختلافات و تنشهای مذهبی در مناطق سنی نشین ایران پدید آورد، اما در حفظ تمامیت ارضی کشور مقابل تجاوز بیگانگان به ویژه دولت عثمانی سخت موثر بود.

از سلسله صفوی تا حکومت های افشاریه، زندیه و قاجار، اقوام ایرانی پیوستگی بیشتری با هم یافتند و دولتهای وقت برای جمع آوری سپاه، اخذ مالیات و عوارض و تامین امنیت مرزها متکی به گروههای قومی بودند و با تقویت و به رسمیت شناختن ساختار قومی و قبیله ای، نظم و امنیت کشور را حفظ می کردند. گروههای قومی نیز با مشارکت در قدرت دولتی از آن منتفع می شدند. البته در مواردی نیز معادله قدرت به زیان یکی از طرفین به هم می خورد اما معمولاً پس از مدت کوتاه، مجدداً تعادل برقرار می شد. در طول این سالها اگر از کشمکش سیاسی نخبگان اقوام ایرانی برای کسب قدرت و بسط نفوذ بر گستره وسیع تر ایران بگذریم، گروههای قومی عملاً تضادی با یکدیگر نداشته و بقاء و هویت خود را در مفهوم ایرانی بودن جستجو می کردند. اقوام مختلف، با حفظ خود مختاری محدود در امور محلی و ویژگی های قومی خود، در قبال تحولات و مسائل کشوری و به ویژه تجاوز بیگانگان احساس مسئولیت مشترک داشتند. چنانچه سپاه ایران مقابل هجوم دولتهای متجاوز از اقوام مختلف تشکیل

می شد. (حق پناه، ۱۳۸۱: ۷-۶)

اما پس از روی کار آمدن سلسله پهلوی، مساله اقوام ایرانی صورت بحران ساز خود را آشکار ساخت. بحران قومیت ها در دوران پهلوی از آن رو مساله ساز بود که حکام وقت بر مبنای الگوی نوسازی به سبک غربی سعی در یکپارچگی اقوام ایرانی داشته و بدون در نظر گرفتن تنوعات قومی می کوشیدند این اقوام را در قوم بزرگتر فارس مستحیل گردانند. بی توجهی به تاسیس نهادهای مدنی و محروم نگه داشتن مناطق قوم نشین نیز در طول این سالها زمینه بحران را فراهم می آورد و در شرایط ضعف دولت مرکزی (همانند دهه ۲۰ شمسی) منجر به رشد جنبش های قومی شد. (همان: ۷)

با پیروزی انقلاب اسلامی، دیکتاتوری پهلوی سرنگون و حکومتی دینی و متکی بر آموزه های مذهبی اکثریت شیعه و (عمدتا فارس زبان) مستقر شد. طی سالهای ۸۵ تا ۱۳۶۸، به دلیل فعالیت وسیع گروه های مخالف و تجزیه طلب در مناطق قومی نشین، وقوع و تداوم جنگ تحمیلی، تشدید فعالیت گروه های محارب و برانداز در ابتدای دهه ۱۳۶۰، وضعیت فوق العاده در کشور عملاً حکمفرما بود. معهذا در تمام این سالها در شرایط امتناع تاسیس نهادهای مدنی و سازندگی در مناطق قومی، با توجه به وجود دشمن خارجی و رهبری فرهمند و داهیان امام راحل (ره) همگرایی اقوام محسوس بود. اما در طول سالهای سازندگی و سالهای بعد از آن، مساله قومیت ها به عنوان معضل امنیتی همچنان مطرح شده و تحولات خارجی نیز زمینه ای برای تشدید این امر بوده است. (همان، ص ۷)

زمینه های بروز واگرایی قومی در ایران:

زمینه های بروز واگرایی در بین اقوام ایرانی متعدد هستند و برای مقابله با تبلیغات دشمنان لازم است که برای هر کدام از آنها چاره ای اندیشیده شود. در ادامه به مهم ترین زمینه های ایجاد واگرایی در بین اقوام اشاره می شود:

۱- قومیت: مهم ترین زمینه واگرایی اقوام بحث قومیت است. آنچه مشخص است این است که هیچ تنوعی فی نفسه مذموم نیست و در مقابل هیچ یکدستی ای نیز ممدوح نمی باشد، چرا که در عین حالی که یکدستی و همگونی قومی در بطن یک جامعه می تواند مزایایی در بر داشته باشد، تنوع و تکثر نیروهای اجتماعی و قومی نیز این جوامع را از ظرفیت ها و استعدادهایی برخوردار می سازد که بهره گیری مناسب از آنها می تواند موتور رشد، توسعه، همگرایی و همسازی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باشد. به هر تقدیر مهم ترین عامل واگرایی میان اقوام بحث قومیت و تعصب قومی است.

۲- مذهب: مساله قومیت در ایران با مقوله مذهب گره خورده است. پس از ورود آیین آسمانی اسلام و پذیرش قلبی آن توسط ایرانیان، اقوام ایرانی محور وحدت بخش دیگری یافتند و اسلام را حبل المتین خود قرار دادند. از این پس دو عنصر ایرانی - اسلامی ارکان هویت و

وحدت اقوام ایرانی محسوب شده و می شوند. عامل دین، عامل مهمی در تقویت پیوند بین اقوام مختلف ایرانی گردید اما متأسفانه بروز اختلافات مذهبی آفتی برای این اتحاد و انسجام در بین آنها بوده است. و امروزه نیز دشمنان با تفرقه افکنی بین مذاهب اسلامی موفق به تضعیف قدرت مسلمانان شده اند و به همین ترتیب در ایران نیز پس از انقلاب اسلامی از این حربه به کرات برای اختلاف افکنی و ایجاد شکاف میان اقوام و حکومت مرکزی بسیار استفاده کرده اند.

۳- زبان: عامل دیگری که در واگرایی اقوام ایرانی می تواند تأثیر گذار باشد موضوع زبان است. این عامل نیز می تواند به عنوان یک نقطه مشترک بین عده ای در نظر گرفته شود و حول آن اتحاد ایجاد شود و در نتیجه رابطه ی یک قوم را با اقوام دیگر کمرنگ کرده و واگرایی ایجاد کند. ۴- ساختار طبیعی ایران که با توجه به طبیعت گسسته و جمعیت پراکنده باعث واگرایی قومیت ها نسبت به مرکزیت ایران می شود. جغرافیای مناطق قومی ایران به گونه ای است که فاصله ی هر قوم با قوم دیگر را بسیار زیاد کرده و امکان نزدیکی آنها از لحاظ جغرافیایی وجود ندارد. مثلاً قوم بلوچ با قوم آذری فاصله ای بیش از هزار کیلومتر دارند و این خود یکی از دلایل واگرایی بین اقوام است.

علل و عوامل و زمینه های دیگری نیز برای واگرایی بین اقوام ایرانی وجود دارد که از حوصله این مقاله خارج است و ما به ذکر مهم ترین آنها بسنده می کنیم.

راهبردهای دشمنان برای ایجاد واگرایی قومی در ایران:

آمریکایی ها با استفاده از تجربه ای که در قبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دارند، موثرترین راه برای رسیدن به مقاصد خود در ایران را استفاده از روش های نرم افزار گرایانه (ایجاد بحران های سیاسی، فرهنگی و قومی) می دانند و راه رسیدن به این هدف را از طریق راهبردهای زیر پیگیری می کنند:

۱- کشاندن بحران به داخل ایران: به دلیل قدرت نفوذ بالای ایران در معادلات منطقه خاورمیانه در مواردی همچون فلسطین، لبنان، عراق و افغانستان، دشمنان ایران اسلامی تلاش می کنند بحران را به درون ایران بکشانند و به همین منظور از تحرکات قوم گرایانه در مناطق خوزستان، کردستان، آذربایجان و بلوچستان حمایت مادی و معنوی به عمل می آورند.

۲- بحران سازی در ساختار اجتماعی ایران: دشمنان به خوبی دریافته اند تا زمانی که ساختار اجتماعی ایران منسجم است، احتمال فروپاشی ساختار سیاسی وجود ندارد، بنابراین به منظور اثربخشی تهدیدات و بحران سازی، حمایت از نیروهای محلی و قومی را برای ترجیح منافع خاص خود به جای منافع ملی در دستور کار قرار داده اند. به طور مثال آمریکایی ها

در عراق با تجهیز قوم کرد توانستند از توان آنها بر ضد حکومت صدام بهره ببرند.

۳- هم‌افزایی در ایجاد اختلاف بین اقوام و پیرامون مذاهب: اگرچه بخشی از قومیت‌ها در کشور از اهل سنت می‌باشند، لکن مذهب آنها شافعی و حنفی و نزدیکترین مذاهب به تشیع می‌باشند. آنها در حالت طبیعی، همزیستی قابل توجهی از خود نشان داده‌اند و از این حیث تاکنون مشکلی بروز نکرده است. لکن موجی که در سالهای اخیر به هدایت آمریکا در مناطق اهل تسنن با نام سلفی‌گری و وهابیت نوین و افراطی در حال گسترش می‌باشد، می‌تواند برخی بسترهای اختلاف قومی و مذهبی را فعال نماید. این تهدید در حال حاضر از شرق، غرب و جنوب کشور در حال گسترش در مناطق قومیتی ایران می‌باشد و دارای تجاری در افغانستان و عراق در ایجاد جنگ داخلی و یا نمایاندن چهره‌ای خشن و به دور از عقل و منطق از اسلام و در نهایت ایجاد بهانه برای مداخلات خارجی می‌باشد. (حمزه پور، ۱۳۸۸: ۹۲-۹۴)

رسانه‌ها ابزاری قوی برای ایجاد واگرایی قومی:

اگرچه تمام عملیات روانی استفاده از رسانه و تبلیغات نیست، اما رکن اساسی عملیات روانی رسانه است. صاحب‌نظرانی همچون ورد (۲۰۰۳) بر این باورند که در دنیای امروز، کشورهای مختلف در عملیات روانی علیه کشورهای دیگر، به ویژه رقبای خویش، از رسانه‌های شنیداری (رادیو) و شبکه‌های ماهواره‌ای بهره می‌گیرند. وی سهولت انتقال پیام و میزان تاثیر گذاری پیام از طریق این دو رسانه، به ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای را از جمله مهم‌ترین دلایل استفاده بسیار از این رسانه‌ها در عملیات روانی می‌داند.

خدامرادی به نقل از سوربن و تانکارد (۱۹۹۲) دو صاحب‌نظر علوم ارتباطات بیان می‌کند که کارکرد اقناعی از جمله مهم‌ترین کارکردهای رسانه‌های مختلف، به ویژه رادیو و تلویزیون است. به باور این صاحب‌نظران، حجم وسیعی از گزارش‌ها، اخبار، تحلیل‌ها و پیام‌های رسانه‌ها به تغییر نگرش مخاطبان توجه دارد. از نظر آنان، رسانه‌ها برای تغییر نظرات و نگرش‌های مخاطبان، اغلب از روش‌های برگرفته از نظریه شرطی شدن کلاسیک و درگیر شدن اندک، استفاده می‌کنند. نظریه درگیری اندک، تصریح می‌کند که بسیاری از پیام‌های رادیو و تلویزیون در نیمکره راست مغز پردازش می‌شوند. این گونه پیام‌ها «در حافظه ذخیره می‌شوند، اما نمی‌توان آنها را به یاد آورد». به تعبیر روشن‌تر، نظریه درگیری اندک، تصریح می‌کند که مخاطبان، بی‌آنکه خود بدانند، تحت تأثیر پیام‌های رادیو و تلویزیون قرار می‌گیرند و آن تأثیر را در رفتار خود نمایان می‌سازند.

محققانی دیگر نظیر براون (۲۰۰۳) نشان داده‌اند که شبکه‌های ماهواره‌ای، به ویژه در شرایط بحرانی، بیش از سایر شرایط می‌کوشند تا بر گروه‌های آماج تأثیر بگذارند و آنان را برای انجام یک یا چند کنش اعتراض‌آمیز برانگیزند. (خدامرادی، ۱۳۸۶: ۳۴-۳۵)

تجارب مختلف نشان داده است، شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان - که اغلب با پشتوانه مالی و سیاسی کشورهای غربی اداره می‌شوند - بخش عمده تلاش و توان خود را معطوف برا گيختن مردم ایران علیه نظام، به ویژه در شرایط بحرانی، می‌نمایند. یکی از مهم ترین ابزارهای دولت آمریکا در دستیابی به اهداف و سیاستهایش در خصوص ایران، رسانه های غول پیکر این کشور همچون سی ان ان و فاکس نیوز است. این شبکه ها در جهت همسو سازی افکار عمومی مردم آمریکا و جهان از یک سو و تاثیر گذاری بر مردم ایران از سویی دیگر همواره بر طراحی و تولید برنامه هایی علیه جمهوری اسلامی ایران بر آمده اند.

رسانه هایی مانند «بی بی سی»، «وی او ای»، «رادیو فردا» و دهها رسانه دیگر نیز در این باره بیکار ننشسته اند و اقداماتی را در راستای ایجاد تفرقه انجام داده اند که در زیر مثال هایی را ذکر می کنیم:

محسن خاتمی در پاسخ به خبرنگار بی بی سی، در باره حقوق اقوام در تاریخ ۸۸/۳/۴ گفت: «اقوام شعر شعرای خودشان را نمی توانند به زبان مادری بخوانند. اکثرا در کردستان این همه شاعر داریم، بچه ها باید بیایند این را فارسی ترجمه کنند و بخوانند تا یاد بگیرند. امکان تدریس به زبان مادری نبوده، بچه ها موظف اند که به زبان فارسی صحبت کنند.» (محمدی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۱۶).

همچنین حسین باستانی در تاریخ ۸۸/۳/۷ به خبرنگار بی بی سی می گوید: «در زمینه قومیت ها مشخص است که کاندیداها حساب ویژه ای باز کردند روی قومیت ها که دلیل خیلی مشخصی هم دارد. شاید میزان فشاری که قومیت های مختلف در ایران در دوره آقای احمدی نژاد تحمل کردند در کل دوره بعد از جنگ بی سابقه باشد.» (همان: ۱۱۷).

رضا حسین بر در تاریخ ۸۸/۳/۱۰ به خبرنگار بی بی سی می گوید: «اولین کار این است که جمهوری اسلامی باید دست از تحریک مردم بردارد در حالی که [آیت الله] خامنه ای گفتند که توهین به مقدسات شیعه و سنی خط قرمز جمهوری اسلامی است ولی آمدند دیروز در یک اعلامیه که صادر کردند فوت حضرت فاطمه را شهادت خواندند، وقتی که می گویند شهادت یعنی این که خلیفه دوم قاتل حضرت فاطمه است و این توهین به مقدسات یک میلیارد سنی است یعنی طرح این مسائل و بعدا یک ماه است که جمهوری اسلامی آن جایک مراسمی را به راه انداخته و درباره شهادت حضرت فاطمه صحبت می کنند و حاضرین هم می گویند لعنت بر عمر و این را به صورت پوستر در تمام شهر نشان می دهند. این تحریکات جمهوری اسلامی است که باید پایان پیدا کند به مردم فرصت مشارکت در حوزه سیاسی بدهند به ما فرصت کار بدهند کار که ایجاد نمی کنند، یک دیوار بزرگی هم دور بلوچستان کشیدند که قبلا اکثریت مردم بلوچستان از طریق تجارت مرزی زندگی می کردند الان آن هم نیست کار که ایجاد نمی کنند سرکوب هم می کنند بنابراین چه راهی برای مردم

ماند». (همان: ۱۱۸).

نمونه دیگری که می توان مثال زد آقای دوشوکی از بلوچ هاست که در پاسخ به خبرنگار بی بی سی می گوید: «.... دانشگاه های سیستان و بلوچستان ۷۰ هزار دانشجو دارد از تمام این ها فقط هزار و خرده ای دانشجوی بلوچ هستند یعنی حدود سه درصد. حدود ۹۹ درصد مقامات اداری سیستان و بلوچستان فارس زبان و یا سیستانی شیعه هستند از نظر امکانات آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی، شغل دولتی مردم بلوچ علنا تحت تبعیض هستند». (همان: ۱۱۹).

مهمین گرجی فرد دیگری است که در پاسخ به خبرنگار رادیو فردا می گوید: «در حال حاضر روزنامه های پرتیراژ دولتی از جمله کیهان، جام جم و همشهری در کشورهای دیگر به فروش می رسند و آقای معینی با اشاره به توزیع این روزنامه ها از سیاسی بودن برخورد دستگاه قضایی ایران با روزنامه رزها لات خبر داده و می گوید که صدور چنین احکامی جامعه کرد زبان ایران را به سوی خشونت پیش می برد.» (محمدی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۲۳۲)

جلالی زاده در سخنانی در رادیو فردا در تاریخ ۸۷/۱۰/۹ گفت: «آقای ملاحسین حسینی و ملاسیف الله حسینی این ها دو نفر از روحانیون مبارز و فعال منطقه کرمانشاه و شهرستان جوانرود هستند که وقتی از اول انقلاب در مسائل انقلاب و مسائل مذهبی و ملی اهل سنت حضور فعالی داشتند، با حرکت دینی آقای مفتی زاده مرتبط بودند و می خواهند اهداف و مسائل دینی خود را آنگونه که در نظر اهل سنت هست ابراز کنند، متأسفانه مرتب تحت فشار و دستگیری های حاکمیت هستند و دادگاه این ها را احضار می کند و بازداشت می کند.» (همان، ص ۲۴۴)

کاوه کرمانشاهی در سخنانی در تاریخ ۷۸/۱۲/۲۰ درباره لغو مراسم مربوط به گرامیداشت قربانیان بمباران شیمیایی حلبچه و سردشت در جنگ ایران و عراق به مجری رادیو فردا گفت: «در دانشگاه تهران برگزاری مراسم را منوط کرده بودند به حضور یکی از سرداران سپاه پاسداران و نظارت بر چگونگی اجرای مراسم که این نظارت هم برای محدود کردن زبان کردی که قرار بود در سخنرانی ها و متن مقالات ارائه بشود به این همایش و همچنین استفاده از موسیقی کردی بود که نهایتاً این محدودیت هایی که به وجود آوردند مراسم را کنسل کرد. در دانشگاه علامه هم عنوان کرده بودند مسئولین دانشگاه به برگزار کنندگان همایش یادمان حلبچه که ما اطلاع داریم که جریان های مشکوکی دارند ساپورت می کنند برگزاری این مراسم را و عملاً اجازه برگزاری بهشان ندادند.» (همان، ص ۲۴۸)

وحیده قره باغلو در تاریخ ۷۸/۱۰/۱۰ در شبکه تلویزیونی صدای آمریکایی گوید: «به عنوان شاخص در پایین بودن سرمایه گذاری دولتی در آذربایجان می توان به هشت سال دوره ریاست جمهوری آقای رفسنجانی اشاره کرد که حجم سرمایه گذاری در بخش دولتی در

معادن استان کرمان سیصد برابر حجم سرمایه گذاری دولتی در همین بخش برای استان آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل و زنجان بوده است و یا پروژه راه آهن میانه-اردبیل پانزده سال است که مطرح شده است، هنوز به نتیجه نرسیده است. اما دولت سیصد میلیارد تومان به پروژه خط آهن اصفهان-شیراز اختصاص داده و خبر میدهند که این پروژه تا پایان سال به بهره برداری خواهد رسید.» (محمدی، ج ۱: ۱۳۹-۱۴۰)

با تحلیل محتوای رسانه های مذکور به این نتیجه می توان رسید که هر کدام از این رسانه ها بر روی یک قوم از اقوام دارای مساله حاد قومی تمرکز کرده اند مثلاً بی سی فارسی بر روی قوم بلوچ، رادیو فردا بر روی قوم کرد و صدای آمریکا (وی او ای) بر روی قوم ترک کار می کنند و این موضوع نشان می دهد که دشمنان ایران اسلامی بر روی بحران آفرینی و ایجاد تفرقه و شکاف بین اقوام حساب ویژه ای باز کرده اند. از طرفی تبلیغات زمانی بیشترین تاثیر را خواهد داشت که به سوی توده ها و گروههایی که اعضای آن ها نگرش های مشابه دارند، جهت گیری شده باشد (حسینی، ۱۳۷۷: ۱۰۳). و این موضوع برای اقوام صدق می کند زیرا از افرادی تشکیل شده اند که دارای سابقه، تاریخ و فرهنگ مشترک هستند و عموماً از نگرش ها و شیوه ی زندگی مشابه برخوردارند.

اقوام به این دلیل در برابر تبلیغات تلقین پذیرتر و اثر پذیرترند که افراد در جمع راحت تر تحت تاثیر تبلیغات قرار می گیرند و با پذیرش مطلبی توسط دیگران، راحت تر آن مطلب مورد قبول قرار می گیرد. حسینی در مجموعه مقالات جنگ روانی و تبلیغات آورده است که دلایل بسیاری در دست است که نشان می دهد بر انگیزختن احساسات افراد در جمع آنها را در برابر تبلیغات تلقین پذیرتر می کند و حتی این احساس می تواند بر علیه رهبر آن جمع نیز به کار گرفته شود. (همان: ۱۰۵).

نتیجه گیری و پیشنهادات:

فناوریهای ارتباطی - اطلاعاتی جدید، سبب پیچیدگی عملیات روانی شده است. بنابراین درک رویارویی با ساز و کارهای آن، هشیاری زیادی را می طلبد. عملیات روانی اکنون بسیار زیرکانه، غیرمستقیم و نامحسوس ولی در حال نسبت به گذشته تأثیرگذارتر و عمیق تر است. در دنیای معاصر جنگ بیانیه ها، اعلامیه ها، تصاویر و کنفرانس های مطبوعاتی مهم تر از آن است که در میدان نبرد جریان دارد و نتیجه ی جنگ بیشتر به این بستگی دارد که چه کسی کنترل اخبار و اطلاع رسانی را بدست می گیرد و اینکه کدام طرف رسانه های قوی تری دارد و بهتر میتواند از آن ها استفاده کند.

اقوام در ایران از ظرفیت بسیار عظیمی برخوردارند و قومیت های مختلف به غیر از قوم اکثریت یعنی قوم فارس، نزدیک نیمی از جمعیت ایران را شامل می شوند و این یعنی یک

پتانسیل بزرگ که هم می تواند تهدید و هم فرصت باشد. به عبارت دیگر همانطور که اقوام می توانند به عنوان سرمایه های اجتماعی در نظر گرفته شوند، در صورتی که درست با آنها برخورد نشود و درست مدیریت نشوند می توانند بحران آفرین باشند.

نکته ای که در رابطه با اقوام دارای مساله حاد قومی و مذهبی قابل ذکر است این است که این اقوام عمدتاً در نواحی مرزی قرار دارند و به لحاظ وضعیت معیشتی و رفاهی نیز در محرومیت به سر میبرند که این موضوع شکاف موجود آنها با حکومت مرکزی را بیشتر و عمیق تر کرده و دشمنان نیز به راحتی می توانند روی این مسائل کار کنند و مساله دیگری که شایان توجه است مساله بیکاری و عدم اشتغال جوانان در این مناطق است که بدلیل سیاستهای تمرکز گرایانه حکومت پهلوی و بی توجهی آنان به مناطق مرزی و دور از پایتخت و کوتاهی دولتهای بعد از انقلاب اسلامی به وجود آمده است که دشمنان به راحتی میتوانند با کمترین هزینه تبلیغاتی علاوه بر ایجاد و تعمیق شکاف بین اقوام و حکومت مرکزی، با دادن وعده به جوانان از میان آنان برای تشکیل و تقویت گروههایی مانند پژاک و جندالله (جند الشیطان) یارگیری کنند. تنوع اقوام ایرانی و پیشینه وقوع بحران های قومی در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مناطق قوم نشین کشور، بستری را برای دشمنان ایران اسلامی فراهم ساخته تا با بهره گیری از سازوکارهای تبلیغاتی و به کار گرفتن رسانه های سنتی و مدرن، مطالبات اقوام ایرانی را از حیث سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افزایش دهند و ضمن برجسته سازی تفاوت های بین اقوام و واگرایی بین آنها، آنان را برای چالش با نظام اسلامی برانگیزند. به عنوان نتیجه گیری می توان گفت که با توجه به وجود زمینه های ساختاری و اگرای در میان اقوام ایرانی و با وجود تفاوت های قومی، مذهبی، زبانی و جغرافیایی، و نظر به حضور فقیر ترین و آسیب پذیر ترین اقشار قومی کشور در مناطق مرزی و دارا بودن مرزهای مشترک وسیع با کشورهای همسایه با برآورد حدود ۸۰۰۰ کیلومتر و حضور قومیت هایی که دارای قرابت های عشیره ای، مذهبی، زبانی و فرهنگی با شهرهای موازی خود در آن سوی مرزها هستند، جلوگیری از وقوع، گسترش و تعمیق این واگرایی هوشمندی و ذکاوت و توان پیشگیرانه و مقابله ای بالایی را می طلبد و اگر راه حل مناسبی برای مقابله با عملیات روانی بسیار پیچیده، حساب شده و سنگین و شبانه روزی دشمنان اندیشیده و به کار گرفته نشود، عواقب نامطلوبی را در پی خواهد داشت.

برای مقابله با عملیات روانی دشمنان و جلوگیری از بروز و تعمیق واگرایی در بین اقوام ایرانی، اقداماتی لازم است که در قالب چند پیشنهاد در حد وسع نگارنده بیان می شود:

۱- مهم ترین مساله در رابطه با اقوام همانطور که گفته شد این است که اقوام ایرانی عمدتاً در نواحی مرزی قرار دارند و به لحاظ وضعیت معیشتی و رفاهی نیز در محرومیت به سر میبرند که این موضوع شکاف موجود آنها با حکومت مرکزی را بیشتر و عمیق تر کرده و دشمنان

نیز به راحتی می‌توانند با کمترین هزینه روی این مسائل مانور دهند و ضمن بیشتر کردن فاصله و شکاف، اقوام را علیه حکومت بشورانند. بنابراین لازم است که به لحاظ معیشتی و رفاهی به این مناطق رسیدگی بیشتری شود و ضمناً اجرای طرح‌های اقتصادی اشتغال‌زا باید به اجرا در آیند. به یقین می‌توان گفت که اگر بحث معیشت و رفاه و اشتغال اقوام حل شود دشمنان بر راحتی نمی‌توانند اذهان مردم این مناطق را تسخیر کنند و بالعکس.

۲- مطلب مهم این است که مردم بیش از آنکه تحت تأثیر فعالیت‌های تبلیغاتی قرار بگیرند، از اقدام حکومت‌ها متأثر می‌شوند. یعنی اینکه ما می‌توانیم با اقدامات خود ابتکار عمل را بدست بگیریم و ضمن خنثی‌سازی تبلیغات دشمن، برنامه‌های خود را پیش ببریم. به عبارت دیگر مسئولان نظام باید با اقدامات حساب شده و به هنگام خود علاوه بر خدمت صادقانه و خالصانه به اقوام، بهانه دست رسانه‌های بیگانه برای سم‌پاشی اذهان اقوام، تغییر نگرش آنها نسبت به نظام و در نهایت ایجاد واگرایی ندهند.

۳- اگر شکاف عمیق بین گفتار و کردار حکومت‌ها وجود داشته باشد، تبلیغات به راحتی کار خود را می‌کند و نگرش، افکار، عقاید و در نهایت رفتار اقوام را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ضمن سلب اعتماد اقوام نسبت به نظام، انسجام بین آنها نیز متزلزل خواهد شد. پس لازم است که مسئولان نظام بین گفتار و کردار خود فاصله نیاندازند و به قول‌هایی که می‌دهند عمل کنند تا بتوانند اعتماد اقوام را جلب کنند.

۴- مطلب مهم دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این که رسانه‌های دشمنان بعضاً با تولید و نشر شایعه و اغذاری امتیازی خاص به قوم اکثریت سعی در ایجاد تفرقه و واگرایی دارند و حکومت نباید اجازه دهد که فقر اطلاعاتی در جامعه به وجود بیاید (به خصوص در حوزه اقوام) و باید با اطلاع‌رسانی صحیح و به موقع، مانع از تولید و نشر شایعه در جامعه شود، زیرا در صورتی که مردم از طریق مجاری مشروع، اطلاعات مورد نیاز خود را به دست نیاورند، هر جا که خبری پیدا کنند، آن را پخش می‌کنند.

۵- موضوع مهم دیگر این که در برنامه‌های تلویزیون و رادیو که رسانه‌های ملی هستند باید قومیت، مذهب و زبان و فرهنگ اقوام محترم شمرده شود و ضمن آن به منظور تقویت همگرایی بین اقوام، فرهنگ اقوام معرفی شود. که در همین راستا می‌توان راه‌اندازی شبکه‌های استانی را اقدامی مثبت تلقی کرد. علاوه بر این از تولید و پخش برنامه‌هایی که باعث افزایش اتحاد و انسجام ملی حول اشتراکات میان اقوام می‌گردند نباید غافل بود.

۶- اقدام دیگری که می‌توان ذکر کرد این که، به منظور جلب اعتماد اقوام نسبت به حکومت باید مسئولین مناطق مختلف (بویژه مناطق قومی دارای مسائل قومی - مذهبی) را از مدیران کارآمد بومی انتخاب کنیم و از اینکه افرادی را از خارج از قوم و قبیله آنان بر آنها حاکم کنیم، اجتناب نماییم. اقوام باید احساس کنند که سرنوشت‌شان دست خودشان است و خودشان

تصمیم گیرنده هستند. این مساله تا حد زیادی اعتماد اقوام را جلب و ضمن خنثی سازی تبلیغات دشمن، باعث همگرایی با اقوام دیگر و حکومت خواهد شد.

۷- از بین بردن و یا کمرنگ کردن نقاط افتراق و تاکید و تکیه بر اشتراکات دینی، ملی و فرهنگی حربه دیگری است که حکومت می تواند جهت همگرایی میان اقوام و تمایل آنها به حکومت، از آن استفاده کند. این اقدام باید توسط رسانه های خودی به ویژه صدا و سیما صورت گیرد و باید به حدی جذاب باشد که از گرایش افراد به رسانه های بیگانه جلوگیری کند. به طوری که اگر این اقدام به درستی صورت گیرد، تبلیغات دشمن کارایی و اثربخشی خود را از دست خواهند داد و به هدف نخواهند رسید.

۸- خارج کردن مناطق قومی نشین حاشیه کشور از انزوای بن بست و ایجاد راههای مواصلاتی، جاده های شوسه و احداث فرودگاههای کوچک که ضمن بهبود سیستم امنیتی منطقه، امکان تردد، عزیمت نیروهای متخصص، بهبود صنعت کم هزینه و اشتغال زای توریسم و ... را فراهم می آورد و باعث کاهش واگرایی حاصل از ساختار طبیعی و جغرافیایی می شود.

۹- پرهیز از یکسان نگری مناطق قومی و توجه به مختصات هر یک از مناطق قومی نشین (مثلا آذربایجان شرقی که اکثریت قریب به اتفاق آن شیعه مذهبند با منطقه ترکمن سنی نشین استان گلستان تفاوت های اساسی دارد.)

منابع:

- الیاسی، محمد حسین (۱۳۸۸)؛ مقدمه ای بر عملیات روانی در بحران؛ تهران، مرکز تالیف کتابهای درسی سپاه.
- حسینی، حسین (۱۳۷۷)؛ مجموعه مقالات تبلیغات و جنگ روانی؛ تهران، دانشگاه امام حسین (ع).
- حق پناه، جعفر (۱۳۸۱)؛ قومیت ها در ایران «راهبردها و راهکارها»؛ تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حمزه پور، علی (۱۳۸۸)، تبیین رویکرد آمریکا در ایجاد شکاف های قومی در ایران، آفاق امنیت، پیش شماره اول، ص ۸۵-۱۰۱.
- خدامرادی، فریده (۱۳۸۶)، تحلیل عملیات روانی شبکه های ماهواره ای در حوادث سال ۱۳۸۵ آذربایجان، فصلنامه عملیات روانی، شماره ۱۸، ص ۳۳-۵۶.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۸)؛ مدیریت منازعات قومی در ایران؛ تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- قاسمی، صفت الله (۱۳۸۸)؛ تأثیر انقلاب اسلامی بر انسجام اقوام ایرانی، فصلنامه آفاق امنیت، پیش شماره ۱: ۲۹-۱.
- محمدی، مسعود (۱۳۸۹)؛ ارزیابی و تحلیل عملیات رسانه ای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران جلد اول «مروری بر صدای آمریکا»؛ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محمدی، مسعود (۱۳۸۹)؛ ارزیابی و تحلیل عملیات رسانه ای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران جلد دوم «مروری بر بی بی سی»؛ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محمدی، مسعود (۱۳۸۹)؛ ارزیابی و تحلیل عملیات رسانه ای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران جلد سوم «مروری بر رادیو فردا»؛ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مختاری، ارسلان، قومیت در ایران، تهران، نشر سیاسی، فرهنگی اجتماعی، (شماره ۱۰ و ۱۱).
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)؛ تحولات قومی در ایران «علل و زمینه ها»؛ تهران، موسسه مطالعات ملی.
- یزدان فام، محمود (۱۳۸۲)؛ فرآیند اثرگذاری عملیات روانی؛ فصلنامه عملیات روانی، شماره ۱، صص ۲۱-۳۴.